

نگاهی اجمالی به شرح و ترجمه‌های دیوان حافظ شیرازی به ترکی

علی گزل یوز*

دانشگاه استانبول

چکیده

دیوان حافظ شیرازی یکی از مهم‌ترین آثار است که در جغرافیای عثمانی استنساخ شده، بر آن‌ها شرح‌ها نوشته شده و خوانده شده است. در عهد عثمانی در کوچک‌ترین کتابخانه حتی در کتابخانه‌های شخصی هم نسخه‌های دیوان حافظ شیرازی وجود داشت. علاوه بر این، دیوان حافظ در مدرسه‌های دوره عثمانی به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شد. در روزگار ما نیز تعداد علاقمندان به ادبیات ایران هر روز افزایش می‌یابد. تقریباً در فقه‌های همه کسانی که به ادبیات علاقه دارند، می‌توان کتاب‌هایی مانند مثنوی معنوی، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی و بهارستان جامی را دید. از همان ابتدا، برای درک معنی اشعار حافظ نیاز به شرح‌های متعدد احساس می‌شده است. به همین سبب دیوان حافظ حتی در قرن اخیر نیز چند بار به نثر و به نظم به ترکی ترجمه شده است. تمام دیوان به زبان ترکی عثمانی چهار بار شرح کامل شده است. یک شرح هم به زبان ترکی تاتاری شامل ۱۴۵ غزل وجود دارد. دیوان حافظ شیرازی چهار بار هم به ترکی استانبولی به نظم و به نثر ترجمه شده است که یکی از آن‌ها شامل فقط بعضی از غزل‌هاست. این مقاله به توضیح این شروح پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: حافظ، شرح ترکی، ترجمه‌ی ترکی.

آ- شرح‌های دیوان حافظ شیرازی به ترکی:

۱. شرح سُروری

اولین شرحی که بر دیوان حافظ نوشته شده، اثر سُروری است. سُروری، یکی از ادیبان و عالمان مشهور حدیث، تفسیر و بلاغت در قرن شانزدهم میلادی است. اسم وی در منابع به صورت «سُروری مصلح الدین مصطفی بن شعبان الکلیبوی الرومی» آمده است. اسم اصلی اش مصطفی، لقبش مصلح الدین و تخلصش سُروری است.

* استاد زبان و ادبیات فارسی، guzelyuz@istanbul.edu.tr

۱۰۴ ————— مجله حافظ پژوهی، سال ۲۲، شماره ۲۲ (دوره جدید، شماره ۱)، پاییز ۱۳۹۸
در سال ۱۴۹۱ در شهر گلبولی به دنیا آمده و نزد دانشمندان مشهور زمان خود درس خوانده
است. سپس در مدرسه‌های گوناگونی به عنوان مدرس به کار تدریس مشغول بوده است.
سروری که در منابع از وی با صفت‌هایی مانند فاضل، کامل و عالم یاد شده است اشعار
ترکی، فارسی و عربی دارد.

سروری که به عنوان مشهورترین و پُر اثرترین شارحان عهد سلطان سلیمان قانونی معروف
است، در میان مردم شهرت زیادی دارد ولی ادیبانی که فارسی بلدند به وی چندان رغبت
نشان نداده‌اند و گفته‌اند که در فارسی بعضی اشتباهاتی هم دارد. چون سروری مثنوی معنوی
را نیز شرح کرده، به عنوان شارح مثنوی معروف شده است. سروری بر آثار عربی، فارسی و
ترکی به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی شرح‌هایی نوشته است. مثلاً بوستان سعدی را به
فارسی و گلستان را به عربی شرح کرده است.

سروری سال ۱۵۶۱ ق. به سبب وبای فراگیر از دنیا رفت و در استانبول در محله قاسم پاشا
به خاک سپرده شد.

سروری برای درک و دریافت بهتر رمزها و مجازهای دیوان حافظ، شرح دیوان حافظ
را به زبان ترکی تألیف کرد و در سال ۱۵۵۹ آن را به پایان رساند. سروری، بعضی از رموز
و رازهایی را که دوستان و آشنایانش از وی می‌پرسیدند به قدر استعداد خود توضیح داده و
به ترکی ترجمه کرده است. شارحان پس از وی، اثرش را بسیار مورد انتقاد قرار داده‌اند.

نسخه‌های خطی این اثر در کتابخانه‌های گوناگون ترکیه وجود دارد. از جمله:

- کتابخانه آثار خطی بورسا، بخش اورهان، شماره ۱۱۹۳-۱۱۹۴ و بخش خرج چی، شماره
۹۸۵.

- کتابخانه شهر چوروم، شماره ۲۰۰۰.

- کتابخانه آثار خطی دانشگاه استانبول، بخش مخطوطات فارسی، شماره ۱۸۱؛ بخش
مخطوطات ترکی، شماره‌های ۱۰۶، ۱۶۳، ۴۷۱، ۵۷۱ و ۹۷۱

- کتابخانه آتاتورک، بخش معلم جودت، شماره ۲۵۰ و بخش عثمان ارگین، شماره ۵۸۲

- کتابخانه راشد افندی در شهر قیصریه، بخش راشد افندی، شماره ۱۳۰۶

- کتابخانه نور عثمانیه، شماره‌های ۳۹۶۳/۳۴۴۴، ۳۹۶۴/۳۴۴۵، ۳۹۶۲/۳۴۴۳

- کتابخانه سلیمانیه، بخش چلبی عبدالله، شماره ۱۸۱؛ بخش از میر، شماره‌های ۵۳۴ و ۶۱۶؛

بخش تکلی اوغلو، شماره ۸۸۸؛ بخش آیاصوفیه، شماره ۴۰۵۶؛ بخش جارالله افندی،

شماره ۱۶۹۷؛ بخش اسعد افندی، شماره ۲۷۷۴ الخ.

۲. شرح شمعی

بعد از سروری دومین شرحی که بر دیوان حافظ به ترکی نوشته شده است از آن شمعی است. این شارح که به نام «پریزرنلی شمعی» معروف است از شارحان مشهور قرن شانزدهم می‌باشد، اهل تصوّف بود و زندگی خود را از راه تدریس می‌گذراند. در منابع فقط درباره اسم و آثارش اطلاعاتی داده شده است و در مورد دیگر زمینه‌های زندگی‌اش اطلاعات چندانی در دست نیست. در کتاب مؤلفین عثمانی نوشته شده است که در سال‌های پایان عمرش به می‌خوارگی مبتلا شده است. شمعی، آثار بسیاری مانند مثنوی معنوی، دیوان حافظ، بوستان سعدی، منطق الطیر و پندنامه عطار، سبحة الابرار و تحفه الاحرار و بهارستان جامی را شرح کرده است.

در بیشتر منابع نوشته شده است که شمعی در سال ۱۵۹۱ در استانبول در گذشته است ولی در بعضی از منابع اطلاعات متفاوتی وجود دارد. برای مثال عطایی تاریخ وفاتش را سال ۱۵۹۲ و کاتب چلبی سال ۱۵۹۷ ذکر کرده‌اند که این دو تاریخ در منابع بعدی هم تکرار شده است. ولی از آن‌جا که شرح سبحة الابرار را در سال ۱۶۰۰ تمام کرده و در شرح مخزن الاسرار که تألیف آن در سال ۱۶۰۳ به پایان رسیده و آخرین اثرش محسوب می‌شود و برای خود از خدا حسن خاتمت طلب کرده، باید بعد از این تاریخ در گذشته باشد. شمعی در استانبول در محله اسکدار مدفون شده است.

شمعی، در شرح دیوان حافظ نیز مانند شرح مثنوی اشتباه‌های زیادی دارد. معنی اصلی واژه‌ها را کنار گذاشته و سعی کرده است که آن‌ها را با معنی صوفیانه شرح بدهد.

۳. شرح سودی

بعد از شمعی، سودی نیز دیوان حافظ شیرازی را به ترکی شرح کرده است. سودی در شرح خود، اشتباهات سروری و شمعی را مورد انتقاد قرار داده است. سودی، غیر از این، در اثر خود به نام شرح بوستان، شارح بودن شمعی را رد کرده، حتی با شوخ طبعی اشتباهات وی را مسخره نیز کرده است.

نام اصلی سودی، احمد است ولی در منابع درباره زندگی وی اطلاعات چندانی یافت نمی‌شود. او در بوسنی در روستای سودیچی در نزدیکی‌های شهر فوچا به دنیا آمده ولی در مورد تاریخ تولد و خانواده وی اطلاعات دقیقی وجود ندارد.

در زمان «سوگلو محمد پاشا بوسنوی» که یکی از دولتمردان بزرگ قرن شانزدهم است، افراد زیادی برای تحصیل از بوسنی به استانبول آمده بودند که یکی از آن‌ها سودی بود. سودی بعد از تحصیلات خود در استانبول، به منظور کامل‌تر کردن زبان فارسی خود، به آمد (دیاربکر) رفته و در محضر مصلح الدین لاری که از بزرگ‌ترین دانشمندان فارسی‌دان آن زمان بود، درس خوانده است. پس از آن در دمشق در محضر حلیم شروانی شاعر مشهور آن زمان گلستان خوانده است. سودی، در مدت اقامت خود در دمشق، در محیط‌های مختلف علمی حضور داشته و با علمای آن زمان حشر و نشر داشته است.

سودی، بعد از سفرهای علمی‌اش که نزدیک به ده سال ادامه یافت، به استانبول بازگشت و در محضر دانشمندان مشهور آن زمان تحصیلات خود را ادامه داد. سپس در عهد سلطان سلیم دوم وقتی که سوگلو محمد پاشا در حکومت نفوذ داشت، برای «علمان خاصه» به عنوان مدرس منصوب شد. مدت تدریس وی معلوم نیست. در منابع نوشته شده است که با حقوق بازنشستگی اندکی از کار تدریس برکنار شده، تا آخر عمر خود در انزوا زیسته و به تألیف آثار خود مشغول بوده است.

تاریخ دقیق فوت او نیز معلوم نیست. در کتاب «مولفین عثمانی» یاد شده است که سال ۱۵۹۶ در استانبول درگذشته و در صحن مسجد یوسف پاشا به خاک سپرده شده است. سودی، متن‌ها را بر اساس تحقیقات میدانی، با روش‌هایی علمی‌تر از شارحان پیش از خود، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و شرح کرده است. سودی، مانند یک منتقد، شرح‌های دیگر را نیز مورد انتقاد قرار داده است.

سودی، شرح دیوان حافظ را در سال ۱۵۹۵ به پایان رسانیده است. این اثر، برای کسانی که فارسی یاد می‌گیرند یکی از مهمترین منابع و بهترین شرح‌ها به شمار می‌آید. بسیاری از ابیات غامض و مشکل دیوان حافظ، توسط سودی حل شده است. سودی، در شرح خود به تفسیر و بیان عرفانی بسیار نمی‌پردازد. سبب آن را در مقدمه اثر خود چنین بیان می‌کند که «عمر افندی از سودی خواسته است که دیوان حافظ را بدون تفسیر و توضیحات صوفیانه شرح بدهد تا برای مبتدیان و کسانی که می‌خواهند معنی آن را در یابند، مفید باشد. همچنین سودی از نیکی‌هایی که افندی در حق وی انجام داده است، یاد می‌کند و می‌گوید «نه یک برادر به برادرش و نه یک مادر به فرزندش مانند او نیکی و خوبی نکرده است. کسانی که مرحوم را و مرا می‌شناسند، در صحیح بودن این، تردید نمی‌کنند.» از این سخنان معلوم می‌شود که چون سودی دیوان حافظ را شرح می‌کرد، شخص مذکور در قید حیات نبوده است.

نگاهی اجمالی به شرح و ترجمه‌های دیوان حافظ شیرازی به ترکی ————— ۱۰۷

در کتابخانه‌های ترکیه ۵۲ نسخه خطی حافظ نیز وجود دارد. سودی می‌گوید که در تألیف اثر خود از یازده نسخه خطی دیوان حافظ استفاده کرده است. چون دریافته بود پیش از شرح باید متنی سالم در دسترس داشته باشد. سودی برای به وجود آوردن متنی صحیح و کامل بسیار کوشش کرده است. تفاوت نسخه‌ها را نشان داده و با دلایل قوی مطرح کرده است که کدام نمونه بهتر و سالم‌تر است. در بعضی از موارد بیان می‌کند هیچ یک از نسخه‌ها اطمینان‌آور نیست. این شرح دیوان حافظ در سال ۱۸۳۴ در بولاق و اسکندریه در دوره سه جلدی چاپ شده است. سپس در سال‌های ۱۸۷۱ و ۱۸۷۲ در دوره دو جلدی در کنار شرح قونوی در استانبول به چاپ رسیده است. این اثر توسط استاد عصمت ستارزاده به فارسی ترجمه و چاپ شده است.

۴. شرح قونوی

شرح قونوی، توسط شیخ مولوی محمد وهبی قونوی تألیف شده است. در منابع درباره زندگی قونوی اطلاعات چندانی نیست ولی تاریخ وفاتش را سال ۱۸۲۸ یاد کرده‌اند. قونوی در مقدمه اثر خود می‌گوید، سلطان محمود دوم شرح دیوان حافظ را که پُر از اشعار حکمت آمیز است، به وی پیشنهاد کرده و او این پیشنهاد را با کمال میل پذیرفته و فقط با آرزوی انتساب معنوی به حافظ، کوشش کرده است که دیوان وی را شرح بدهد. روش قونوی در شرح غزل‌ها چنین است که ابتدا، در زیر هر بیت، معنی ظاهری آن را می‌نویسد. سپس زیر عنوان «مفردات» معنی ترکی کلمه‌های آن بیت را می‌نویسد. گاه نیز معنی بعضی از کلمه‌های معروف را نمی‌نویسد و مقابل آن حرف «م» می‌گذارد. و در پایان زیر عنوان «معنی اشارتی» آن بیت را شرح و توضیح می‌دهد. روش قونوی در تمام ابیات چنین است.

قونوی در مقدمه اثر خود می‌گوید حافظ از اولیاء الله است. بدین سبب تمام بیت‌ها را با معنی صوفیانه شرح می‌کند. به همین سبب این شرح، تمام اندیشه و هنر اصلی حافظ را منعکس نمی‌کند.

قونوی بعد از مقدمه، معنی کلمات دیوان حافظ را مانند یک فرهنگ لغت صوفیانه بیان می‌کند و توضیح می‌دهد.

چند نمونه از این توضیحات:

عشق	افراط در محبت
عاشق	متحیر و مشتاق جمال و جلال الهی
معشوق	حق تعالی
جور	بازداشتن سالک از عروج
توانگری	حضور جمیع کمالات
تاراج	سلب اختیار سالک
متواری	احاطه و استیلاي عشق الهی
آشنایی	تعلق ربوبیت
مهربانی	صفات رحمانیه
قامت	لیاقت عبودیت
زلف، گیسو، مو، ابرو، طره	غیب هویت و صفات ذات احدیت
تاب زلف	صفات تجلیات
سر مست	ظهور حالات
ماهروی، رخ، چهرهء گلگون	ظهور انوار تجلیات الهی
خط سبز	عالم برزخ
لب	کلام
نافه	نفحات الهی
سیب زرخ	علم لدنی
چاه زرخ	مشکلات اسرار مشاهده
شراب	عشق الهی
خُم، خُمخانه، کاسه، قدح، جام، صراحی	قلب عاشق
خرابات	عالم ناسوت
شمع	نور الهی
ناهید	تجلی الهی
مغیچه	تجلیات فاسده
دیر	عالم انسانی
کلیسا	عالم حیوانی

نماز	اجتهاد سالک
روزه	قطع تعلقات
حج	سلوک فی طریق الله
بیابان	وقایع طریق
کعبه	مقام وصل

شرح قونوی، اولین بار سال ۱۸۵۶ در بولاق چاپ شده است، پس از آن در سال‌های ۱۸۷۱ و ۱۸۷۲ در دوره‌ای دو جلدی، به انضمام شرح سودی در حاشیه آن، در استانبول به چاپ رسیده است. این اثر به سبب این که در مدت زمان کوتاهی پس از فوت مؤلف به چاپ رسیده است نسخه‌های خطی زیادی ندارد.

۵. شرح موسی جار الله بیگیوف

موسی جار الله پژوهش‌گر و دانشمند متجدد اسلامی است که در زمینه دین آثار فراوانی دارد. سال ۱۸۷۵ در شمال قلعه آنزاک در شهر رُستونادون (روسیه) به دنیا آمد. وی در سال‌های کودکی تعلیمات دینی بسیار کسب کرده است. پس از دوران کودکی به بخارا رفته و در مدرسه‌های گوناگون تحصیل کرده، زبان‌های عربی و فارسی را یاد گرفته و قرآن را حفظ کرده است. زندگی موسی با تحصیل و پژوهش در علوم دینی و سیر و سفر کردن برای نشر این علوم در ممالک اسلامی سپری شده است. وی به استانبول، قاهره، مکه، بیروت، دمشق، هندوستان و حتی ژاپن نیز سفر کرده است. او در سال ۱۹۰۴ به زادگاه خود بازگشت و با اسماء علیه خانم ازدواج کرد. در این هنگام به روزنامه نویسی مشغول بوده و روزنامه اُلفت را منتشر می‌کرده است. در قازان با احمد اسحاقی افندی صاحب کتابخانه شرق آشنا شد و آثار خود در زمینه‌های دینی و اجتماعی را پی در پی منتشر کرد. یکی از این آثار شرح دیوان حافظ شیرازی است. جار الله تا انقلاب ۱۹۱۷ نزدیک به بیست اثر تألیف کرده بود. بعد از انتشار اثر وی به نام «الفبای اسلامیت»، دستگیر و به مدت سه ماه زندانی شد. وی در سال ۱۹۲۵ برای استراحت به «قیریم» رفت، و در سال ۱۹۲۷ وقتی که برای زیارت حج به مکه می‌رفت به استانبول سر زد و کتاب خود را با عنوان «مُسکرات» به چاپ رساند. موسی جار الله از سال ۱۹۳۰ تا آخر عمر در آوارگی به سر برد و بعد از فرار از روسیه هرگز به زادگاه خود بازنگشت و سال ۱۹۴۹ در حسرت و اشتیاق به خانواده‌اش در قاهره درگذشت. موسی جار الله از دیوان حافظ ۱۴۵ غزل را که به نظر خود از جهت علمی، فلسفی

۱۱۰ ————— مجله حافظ پژوهی، سال ۲۲، شماره ۲۲ (دوره جدید، شماره ۱)، پاییز ۱۳۹۸
و اخلاقی مهم تر است، برگزید و به ترکی تاتاری ترجمه و شرح کرد. نسخه خطی این اثر
در کتابخانه سلیمانیه در بخش طاهر آقا با شماره ۵۳۲ ثبت شده است. این اثر سال ۱۹۱۰ در
قازان به چاپ رسید.

ب- ترجمه‌های دیوان حافظ شیرازی به ترکی:

دیوان حافظ غیر از ترجمه‌هایی که در شرح‌های یادشده موجود است، به صورت مستقل
اولین بار توسط عبدالباقی گولپینارلی به ترکی ترجمه شد و در سال ۱۹۴۴ از سوی وزارت
آموزش و پرورش در استانبول به چاپ رسید. این اثر بارها تجدید چاپ شده است.
می‌توان پذیرفت که ترجمه گولپینارلی در دوره جمهوریّت مهم‌ترین و یگانه ترجمه‌ای
است که با یادداشت‌ها و توضیحات مهم به زبان ترکی معیار انجام شده است. این اثر نام
اشخاص و مکان‌ها را نیز توضیح داده است و در مورد دولت‌مردان و اشخاص مهم آن زمان
نیز توضیحات قابل توجهی دارد. ولی از آنجا که این ترجمه نیز مانند ترجمه‌هایی که در
شرح‌های یادشده موجود است به نثر انجام شده، حسن زیباشناسی شعر حافظ به خوبی منتقل
نمی‌شود.

بعد از گولپینارلی، «رشدی شارداغ» از دیوان حافظ ۵۰ غزل را انتخاب کرده و آن‌ها را
به وزن عروضی به ترکی ترجمه کرده است. این اثر سال ۱۹۷۰ به نام «غزل‌هایی از حافظ
شیرازی» به چاپ رسید.

«رشدی شارداغ» می‌گوید برای ترجمه این پنجاه غزل دو سال و چهار ماه تلاش کرده
است. شارداغ، رباعیات خیام را نیز به ترکی ترجمه کرده و از سوی وزارت‌های آموزش و
پرورش ترکیه و ایران جایزه بهترین ترجمه را به دست آورده است.
شارداغ، در مقدمه کتاب «غزل‌هایی از حافظ شیرازی»، روش ترجمه خود را چنین بیان
می‌کند:

۱. در ترجمه باید قالب‌های عروضی حافظ کاملاً مراعات گردد.
۲. باید به این اصل توجه داشت که «اگر شاعر، این شعر را به ترکی می‌گفت، احساساتش
را چگونه بیان می‌کرد؟»
۳. نباید از روح حافظ دوری جست و باید صدای او را که شش صد سال است در جهان
نفوذ دارد، در حد امکان به گوش دیگران رساند.

نگاهی اجمالی به شرح و ترجمه‌های دیوان حافظ شیرازی به ترکی ————— ۱۱۱

۴. موسیقی معنوی که ویژه شعرهای شرقی است و از صدای طبیعی واژه‌ها و معنی آن‌ها و طنطنه برخاسته از چینش کلمات به وجود می‌آید، باید در ترجمه مراعات شود.

در چهار سال اخیر دیوان حافظ توسط دکتر محمد کانار و دکتر حجابی کرلانگیچ نیز به ترکی ترجمه شده است. هر دو این ترجمه‌ها به نظم هستند. ترجمه دکتر کانار در سال ۲۰۱۱ و ترجمه دکتر کرلانگیچ در سال ۲۰۱۳ در استانبول به چاپ رسید.

دکتر حجابی کرلانگیچ که خود نیز شاعر است، در مقدمه ترجمه خود چنین می‌گوید: «در اثنای ترجمه دیوان حافظ، ترجمه دکتر کانار به بازار آمد و من ابتدا خواستم ترجمه خود را کنار بگذارم. اما بعد از دیدن ترجمه دکتر کانار تصمیم به تمام کردن ترجمه خود گرفتم. مسلماً باز هم به ترجمه‌های دیگری از دیوان حافظ به ترکی نیازمندیم.

منابع

- Abdülbaki Gölpınarlı. (1988). *Hafız Divanı*. Çev. Abdülbaki Gölpınarlı, Ankara: MEB, 1988, s.XXVI.
- AhmedSüdü-i Bosnevî. (1299/1971). *Şerh-i Südü, İstanbul, Matbaa-i Amire*. c.I (Şerh-i Dîvân-ı Hâfiz'in kenarında).
- Bursalı Mehmet Tahir. (2333). *Osmanlı Müellifleri*. İstanbul: Meral Yayınları.
- Gölpınarlı, Abdülbaki. (1993). *Hafız Divanı*. İstanbul: Milli Eğitim Baskı Evi.
- Görmez, Mehmet. (1994). *Musa CarullahBigiyef*. TDV Yayınları, Ankara.
- Hicabi Kırlangıç. (2013). *Hafız Divanı*. İstanbul: Kapı Yayınları.
- Hoca, Nazif M. (1993). *Südü, Hayatı, Eserleri ve İki Risalenin Metni*. İstanbul: İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Yayınları.
- İbrahim Kaya. (2011). "Südü'nin Hafız Divanı Şerhindeki Tasavvufî Yaklaşımları", *TurkishStudies- International Periodical For The Languages, Literature and History of TurkishorTurkic Volume 6/2 Spring, p. 599-630, TURKEY*. İstanbul: Matbaay-ı Âmire, 1289 hicrî, Muharrem).
- Mehmet Kanar. (2011). *Hafız Divanı*. Cilt 1, İstanbul: Ayrıntı Yayınları.
- Muhammed Vehbî b. Hasan b. Konevî. (1299/ 1971). *Şerh-i Dîvân-ı Hâfiz*. İstanbul: Matbaa-i Amire, c.I.
- Osman Sarı. (2013). "Hafız Divanı'nın İki Yeni Türkçe Tercümesi Dolayısıyla: Hafız Divanı'ndaki İlk Gazelin İlk Beytinin Türkçe Tercümesi Üzerine Bazı Notlar", *FSM ScholarlyStudies, Journal of HumanitiesandSocialSciencesSayı/Number 2 Yıl/ Year Güz/Autumn, p. 407-416*.

۱۱۲ ————— مجله حافظ پژوهی، سال ۲۲، شماره ۲۲ (دوره جدید، شماره ۱)، پاییز ۱۳۹۸
Seyyid Mehmed Vehbi Konevî. (1872). *Şerh-i Divanı Hâfiz*, (derkenar *Şerh-i Sûdî*).
Şardağ, Rüştü, *Şirazlı Hâfiz'dan Gazeller*. İzmir.
Yazıcı, Tahsin. (1997). "Hâfiz" mad. *TDV İslâm Ansiklopedisi*, C. XV.,
İstanbul.

